گزارش

مهسا گربندی

ایرادات کتب درسی مشخص است اقدام لازم است

۱۲ سال مدرسه رفتن بدون اینکه کاربردی داشته باشد؛ این نتیجه آن چیزی است که دانش‌آموزان بعد از ورود به کلاس‌های درس و فارغ‌التحصیل شدن، کسب می‌کنند. آنها مطالبی را حفظ و برگه‌های امتحان را هم پر کرده‌اند، اما وقتی بعد از چند سال از آنها بپرسید که در مدرسه چه چیز یاد گرفته‌اند، به جز اینکه بگویند سواد خواندن و نوشتن پیدا کرده‌اند، هیچ چیز دیگری را مطرح نخواهند کرد. قرار شده تا پس از این، ایرادات کتب درسی را معلمان و دانش‌آموزان به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش اطلاع دهند، اما آیا آنها نمی‌دانند عمده مطالب کتاب‌های درسی ایراد دارد، چراکه باید کم‌حجم‌تر و کاربردی‌تر شود؟ و سؤال دیگر اینکه آیا بعد از بیان این موارد در سامانه‌ای که به این کار اختصاص داده‌اند، اقدام مناسبی در جهت اصلاح آن انجام می‌شود؟

طی سال‌های متمادی و بارها و بارها، نسبت به کم‌حجم‌تر شدن کتاب‌ها تذکر داده شده‌بود. کارشناسان آموزش و پرورش مرتباً هشدار می‌دادند که این کتاب‌ها باید به طور اساسی تغییر کند. حتی این موضوع نیز چندین‌بار از سوی مقام معظم رهبری مورد تذکر قرار گرفته‌است. هر چند که گفته شد باید کتاب‌هایی سبک‌تر و در عین حال کاربردی‌تر برای دانش‌آموزان تدوین شود تا آنها فرصت تحلیل و تفکر داشته‌باشند و میان انبوهی از حفظیات و تکالیف بی‌شمار سردرگم نشوند، اما گوش مسئولان تصمیم‌گیرنده پذیرای شنیدن این حرف‌ها نبود. هر چند ایجاد یک راه ارتباطی برای شنیدن ایرادات کتب درسی از زبان معلمان و دانش‌آموزان اقدام خوبی به نظر می‌رسد، اما کاش این اقدام، نمایشی نباشد و پس از آن اصلاحیات اساسی در این کتب در دستور کار قرار بگیرد.

نظرتان را اعلام کنید؛ تا جای ممکن اعمال می‌شود

روز گذشته علی لطیفی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در شبکه ملی دانش‌آموزی شاد گفت: «فرایند تولید کتاب بسیار زمانبر و پیچیده است و هر کتاب درسی که برای بار اول آماده و چاپ می‌شود پس از گرفتن تأییدات لازم در شوراهای تخصصی با حضور صاحبنظران به صورت آزمایشی یک تا دو سال در تعداد محدودی از مدارس منتخب کشور تدریس می‌شود و پس از این مدت و گرفتن بازخورد از معلمان و دانش‌آموزان در خصوص محتوا، متن و حجم کتاب، اصلاحات احتمالی انجام و چاپ نهایی می‌شود.» او با بیان اینکه این روند برای تمامی ۹۹۰ عنوان کتاب درسی صورت می‌پذیرد، افزود: «دانش‌آموزان و همکاران ما در مدارس می‌توانند از طریق سامانه نظرسنجی به آدرس www. nazar. roshd. ir وارد شوند و پایه و کتاب درسی مورد نظر خود را انتخاب و نظرات، پیشنهادات و ایرادات احتمالی را که به نظر می‌رسد، ثبت کنند. این نظرات در شوراهای تخصصی بررسی می‌شود و تا جایی که امکان‌پذیر باشد در کتاب‌های درسی اعمال خواهد شد.» پیش از این نیز وزیر آموزش و پرورش خبر از اصلاح کتب درسی با کمک دانش‌آموزان داده‌بود. یکم مهرماه بود که رضا مرادصحرایی به موضوع اصلاح کتاب‌های درسی با کمک دانش‌آموزان اشاره کرد و گفت: «سامانه‌ای در این راستا در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تعبیه شده‌است و دانش‌آموزان می‌توانند نظر دهند.» حالا این سامانه راه‌اندازی شده و قرار است ایرادات کتب درسی را در خود ثبت کند، اما همانطور که رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی اعلام کرده‌است: «این اصلاحات تا جایی که امکان‌پذیر باشد، اعمال خواهد شد.» شاید منظور مسئولان آموزش و پرورش از این اقدام، تنها اصلاح مواردی جزئی و نگارشی در متون کتب باشد تا در سال‌های بعد آن را برطرف کنند و گرنه مشکلات متعددی در خصوص کتب درسی مطرح شده که توجهی به آن نشده‌است.

کمتر کارشناسی است که اعتراف نکرده‌باشد، عمده محتوای کتب درسی، تأثیری در زندگی و آینده دانش‌آموزان ندارد و این یک ایراد بزرگ است. در این زمینه نیز تذکرات پی‌درپی داده شده، بررسی‌هایی بارها و بارها انجام شده‌است، اما متأسفانه ایرادات مطرح شده همچنان وجود دارد و زندگی و آینده دانش‌آموزان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. گویا این روش تحصیلی برای برخی سود مالی هنگفت دارد و رقمی آنچنان درشت که ابایی ندارند سال‌های زندگی و آینده کودکان و نوجوانان را به پایش قربانی کنند.

مؤلفان کتب درسی باید متخصص و توانمند باشند

یکی از موارد مهم در تألیف کتب درسی مناسب حضور مؤلفان کتب درسی متخصص و توانمند است؛ موضوعی که فرهاد کریمی، رئیس سابق پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش به آن اشاره کرده و گفته‌است: «بدنه کارشناسی وزارت آموزش‌وپرورش به خصوص دفاتری که باید کار تخصصی انجام دهند، نظیر دفتر تألیف کتاب‌های درسی، لازم است از نظر تخصص و توانمندی و اشراف به کار علمی تقویت شوند، دوره‌های آموزشی قوی ببینند، خبره و کاربلد باشند، به تحکیم فرایندها و روش علم برنامه‌ریزی درسی در تألیف کمک کنند، تألیف را امری انحصاری ندانند و زمینه مشارکت جدی معلمان و گروه‌های آموزشی زبده در تألیف را فراهم کنند. در حال حاضر برنامه جدی برای استفاده از ظرفیت گروه‌های آموزشی نداریم.»

به طور قطع، بازبینی روش کاری کشورهای موفق و پیشرو در آموزش، در این راستا کمک شایانی خواهد کرد. روش برخی از این کشورها این گونه است که دانش‌آموز فقط در مدرسه، تعلیم می‌بیند و به دلیل اینکه کتب درسی متناسب با زمان کلاس تألیف شده، اصلاً نیاز نیست که دانش‌آموز با خود دفتر و کتاب ببرد و بیاورد. در مقابل اما روش تدریس در کشور ما به گونه‌ای است که باید دانش‌آموز هم در مدرسه و هم در خانه درگیر حفظیات شود و اصلاً فرصتی برای فکر کردن و تحلیل برایش باقی نمی‌ماند. مسئولان تصمیم‌گیرنده باید در ابتدا از خودشان بپرسند که آیا نیازی به این حجم از اطلاعات درسی و بمباران کردن ذهن دانش‌آموزان با آن وجود دارد؟ نمی‌توان مدعی شد آقایان در این مسیر قدم نگذاشته‌اند، اما اینکه چرا بررسی‌های انجام‌شده و نتایج مثبت آن تا به امروز آنطور که باید و شاید برای عملی‌شدن مورد توجه قرار نگرفته، سؤالی بی‌جواب است که به قیمت هدررفتن وقت دانش‌آموزان و هزینه برای کشور شده‌است.

یادداشت

زنجیر مقاله‌نویسی دست نهضت علمی را بسته است

ادامه از صفحه اول

و حتماً همه دانشگاهیان می‌دانند که بخشی از مقالات و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی که چاپ و دفاع می‌شود، به اسم نویسنده و به قلم شخص ثالث است! هر از چندگاهی هم اخباری منتشر می‌شود که فلان دانشجو با اجبار استاد، نام شخصی را به مقاله اضافه کرده‌است که هیچ ربطی به آن مقاله نداشته است. همین چند ماه پیش یک دانشجوی دانشگاه تهران به‌خاطر این موضوع خودکشی هم کرد! از طرف دیگر، نشریات هم، که دست استادان است، این رویه را در پیش گرفته‌اند که مقاله علمی دانشجو را بدون نام استاد منتشر نمی‌کنند! بر کسی پوشیده نیست که استخراج مقاله از یک پایان‌نامه یا رساله، با زحمت دانشجوی ارشد یا دکتری محقق می‌شود، ولی نشریات علمی – پژوهشی تا نام استاد، که غالباً و عملاً نقشی در مقاله نداشته است، پای مقاله علمی نباشد، از داوری و انتشار آن اجتناب می‌کنند. این رویه غلط و دور باطل، از نتایج غیرقابل انفکاک اصرار غیرمنطقی بر چاپ مقاله برای ارتقای علمی است. ملاک‌های زیادی وجود دارد که می‌توان با تمسک به آنها، وضعیت علمی استادان و دانشجویان را سنجید؛ تولید یک محصول نو، ارتقای سطح نظریاتی در علوم انسانی و راهبری یک پروژه علمی نافع از این قبیل است. دانشگاه‌های برتر در جهان هم یا به این سمت رفته‌اند یا از تکیه صرف بر انتشار مقاله برای اعطای ارتقای علمی عبور کرده‌اند. رهانیدن نهضت علمی ایران از غل و زنجیر مقاله‌نویسی، به شکوفایی بیش از پیش این نهضت منجر خواهد شد. کسی می‌داند در دوره اوج تمدن اسلامی – ایرانی، که دانش برتر ما جهانگیر شده بود، ابوعلی سینا، زکریای رازی، ابن هیثم، فارابی، شیخ بهایی یا... چند مقاله علمی – پژوهشی در کدام نشریه خارجی منتشر کرده بودند؟!

گفت‌وگو

سجاد آذری

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی در گفت‌وگو با «جوان»:

اسناد عادی نباید علیه شخص ثالث قابل استناد باشد

بحران پرونده‌های کلاهبرداری مربوط به قولنامه‌های اموال غیرمنقول مدتی است که به یکی از مهم‌ترین مسائل حقوقی کشور تبدیل شده‌است. هر چند همگی متفق‌القول هستند که باید این مشکل حل شود، ولی نوع مواجهه با آن هنوز محل بحث است. در حالی که طرح مجلس شورای اسلامی به دنبال بطلان معاملات غیرمنقول با سند عادی است، ولی شورای نگهبان این راهکار را خلاف شرع دانسته و اکنون سرنوشت این موضوع به دست مجمع تشخیص مصلحت نظام سپرده شده‌است. همین موضوع موجب‌شده تا این بحث‌های حقوقی به سمت مجمع متمرکز شود. سعید محسنی، عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و دارای دکترای حقوق خصوصی در گفت‌وگو با «جوان» مسائل مطرح در خصوص این طرح را بررسی کرده و در مورد آن راهکار ارائه داده‌است.

نظر شما در مورد طرح ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول چیست و چقدر این طرح را ضروری می‌دانید؟

طرح الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول که مجلس شورای اسلامی اصرار وافر بر تصویب آن دارد، مبتنی بر یک دغدغه کاملاً دقیق و درست است. در شرایط کنونی وضعیت ثبت معاملات مربوط به اموال غیرمنقول وضعیت نامناسبی دارد. در حالی که معاملات اموال غیرمنقول به موجب قانون ثبت ضرورتاً باید با سند رسمی انجام شود، در عمل با اسناد عادی هم واقع می‌شود، این معاملات معتبر است، در دادگاه‌ها مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و به استناد آنها حکم صادر می‌شود که این یک‌سری مشکلات اساسی و جدی در جامعه ایجاد کرده‌است و نتیجه این وضعیت بی‌اعتمادی به معاملات است.

چطور با وجود تصریح قوانین فعلی چنین اتفاقاتی پیش می‌آید؟

وقتی شخصی قصد خرید مال غیرمنقولی را داشته باشد، تمام احتیاطات لازم را هم به عمل بیاورد، با سند رسمی هم مالکیت این مال را تضمین کند باز هیچ تضمینی وجود ندارد که شخصی سابق بر او این مال را از فروشنده با سند عادی یا به شکل شفاهی خریداری نکرده‌باشد و معامله او به دلیل مقدم‌بودن معتبر شناخته شود. اثر مستقیم آن معامله‌ای که به رسمیت شناخته شده بطلان معامله دوم است که طرف قرارداد تمام احتیاطات لازم و تمام دقت‌های کافی را انجام داده‌است، ولی در عین حال با این چالش غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل مقابله مواجه می‌شود که معامله او باطل انگاشته می‌شود و دادگاه‌ها حکم به بطلان آن قرارداد و ابطال سند رسمی آن صادر می‌کنند. این وضعیتی است که می‌شود آن را فاجعه‌ای در جامعه توصیف کرد، اثر آن هم تضییع حقوق اشخاص ثالثی است که تمام احتیاطات معقول و متعارف را انجام دادند و در عین حال معامله آنها به دلیل وجود یک معامله عادی مقدم باطل انگاشته می‌شود. از این جهت حقوق این اشخاص ثالث شدیداً در معرض تضییع و مخاطره قرار می‌گیرد.

این ناامنی فقط دامنگیر اشخاص ثالث نسبت به قرارداد عادی است؟

علاوه بر آنها این ناامنی در معاملات موجب مخاطره در منافع عمومی جامعه می‌شود که نتیجه آن بی‌اعتمادی عمومی به اسناد رسمی در جامعه است، یعنی هیچ کسی نمی‌تواند به معاملات اسناد رسمی نیز در جامعه اعتماد کند به دلیل اینکه عرض شد، ممکن است سابق بر آن معامله رسمی، معامله عادی انجام شده‌باشد و اثر آن معامله عادی بطلان قرارداد رسمی لاحق و بعدی باشد. نتیجه این وضعیت اسفبار این است که حجم زیادی از پرونده‌های دادگستری و قوه قضائیه به این موضوع و دعوای ناشی از این مسئله اختصاص پیدا کرده‌است، بنابراین باید از دغدغه عزیزانی که مبادرت به طراحی این متن پیشنهادی برای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات داشتند، تقدیر کرد، البته تأخیر در انجام این مهم قابل اعتراض است.

یعنی طرحی که برای رفع این مشکلات نوشته‌شده آنها را برطرف می‌کند؟

خیر، منظورم این نبود، این طرح نه‌تنها مشکلات فعلی را مرتفع نمی‌کند، بلکه مشکلات جدیدی هم بر آن می‌افزاید و فاجعه‌ای دیگر رقم خواهد خورد. اساس این طرح مبتنی بر این نکته است که اگر معاملات مربوط به اموال غیرمنقول بدون سند رسمی واقع شود، این معاملات محکوم به بطلان هستند؛ یعنی معامله مربوط به اموال غیرمنقول باید با سند رسمی انجام شود و چنانچه بدون سند رسمی و با سند عادی یا به شکل شفاهی و مانند آن واقع شود، معامله‌ای انجام نشده‌است و اصطلاحاً وضعیت معامله بطلان است. تصور طراحان عزیز این بوده‌است که با این ترتیب مردم از مبادرت به معاملات عادی اموال غیرمنقول اجتناب خواهند کرد و وادار خواهند شد که با سند رسمی معامله را انجام دهند و بدین ترتیب مشکل موجود مرتفع خواهد شد، غافل از اینکه وضعیت بطلان برای این معاملات خود دارای اشکالات اساسی و بنیادی است.

اشکالات این طرح چیست؟

الان امکان بررسی تمام مشکلات نیست، ولی به چند اشکال اصلی آن می‌پردازم. اولین اشکال پیش‌بینی وضعیت بطلان برای معاملات با سند عادی و بدون سند رسمی مخالفت آن با شرع مقدس است. بدون تردید در فقه امامیه معاملات مربوط به اموال غیرمنقول بدون سند رسمی دارای اعتبار است و صدور حکم بطلان برای این معاملات مخالفت صریح با شرع مقدس دارد، البته اگر در مواردی مصالح جامعه ایجاب کند که از حکم اولی دست برداریم، می‌شود با احکام ثانوی ضروریات جامعه را مرتفع کرد، ولی به شرطی که ضرورتی وجود داشته‌باشد و راهکار مشروع دیگری وجود نداشته‌باشد، ضمن اینکه همانطور که در ادامه عرض می‌کنم، این راهکار نامشروع مشکلات دیگری را هم ایجاد می‌کند. تمسک به حکم ثانوی به قدر ضرورت باید باشد و خواهیم دید که راهکار بهتر و مناسب‌تری وجود دارد که می‌شود وضعیت را با آن ساماندهی کرد. در خصوص نامشروع بودن این وضعیت حقوقی توجه داشته‌باشید که این طرح سه نوبت در شورای نگهبان به دلیل مخالفت با شرع رد شده‌است.

اشکال دوم مخالفت این طرح با مبانی حقوقی است. اول اینکه براساس اصل حاکمیت اراده افراد آزاد هستند که با اراده خویش قراردادهایی را منعقد کنند و برای این مهم صرف اراده افراد کفایت می‌کند، اینکه علاوه بر اراده طرفین شرط دیگری گذاشته و آن شرط، شرط صحت قرارداد باشد با اصل رضایی بودن قراردادها و احترام به اراده طرفین در تعارض است. اینکه طرفین با اراده سالم و هماهنگ معامله‌ای انجام دهند و ما آن معامله را به دلیل فقدان سند رسمی باطل بدانیم در تعارض با اصولی است که عرض شد، البته گفتنی است در موارد استثنایی قانون‌گذاران از این اصل در صورت وجود ضرورت تخلف هم کرده‌اند.

مبنای حقوقی دیگری که طرح مورد نظر با آن تعارض دارد، مسئله تحلیل اراده است. در قراردادها اگر دو اراده سالم و هماهنگ وجود داشته باشد، قرارداد منعقد می‌شود و هر اراده متشکل از قصد و رضاست، اگر در قراردادی قصد مفقود باشد، آن قرارداد باطل است و اگر قصد موجود باشد، قرارداد فی‌الجمله منعقد می‌شود و چنانچه رضا مفقود باشد، آن قرارداد غیرنافذ است و اگر رضا هم وجود داشته‌باشد، صحیح و کامل خواهدبود. در شرایطی که تحلیل روانی اراده از افتخارات نظام حقوقی ایران و قبل از فقه امامی به عنوان یک مبنای حقوقی است، طرح موردنظر با این مبنا ناهمخوان است، چون به رغم وجود اراده سالم که حاوی قصد و رضاست معامله را باطل معرفی کرده‌است.

اشکال سوم بطلان معاملاتی که بدون سند رسمی انجام می‌شود، این است که زیرساخت‌های لازم برای اجرای آن وجود ندارد. تصور طراحان محترم این بوده که با یک فرصتی که در این طرح پیش‌بینی شده تمام معاملات باید با سند رسمی انجام شود، در حالی که به یقین قسمت قابل‌توجهی از معاملات غیرمنقول به دلیل وجود موانعی امکان ثبت رسمی آن وجود ندارد و اگر این زیرساخت‌ها فراهم نباشد که نیست، محکوم کردن قراردادهای عادی به بطلان به این معناست که نسبت به آن اموال اساساً امکان معامله وجود ندارد، بنابراین تا زیرساخت‌های لازم فراهم نشود، این وضعیت بطلان مخاطرات دیگری را هم رقم خواهد زد.

یک اشکال اساسی دیگری نیز که وجود دارد، این است که اگر معامله بدون سند رسمی محکوم به بطلان باشد، شخص متقلبی می‌تواند ملکی را با سند عادی به دیگران بفروشد و بعد از اینکه تمام یا قسمتی از ثمن را دریافت کرد، به‌رغم این معامله، معامله معارض دیگری انجام می‌دهد و بعد از آن هم باز ملک را به شخص دوم، سومی و الی آخر بفروشد و با هیچ‌کدام از این اشخاص نیز امکان شکایت از آن کلاهبردار را نخواهند داشت، زیرا نمی‌توان به این معاملات عنوان کیفری فروش مال غیر داد، چون معامله اول به حکم این طرح واقع نشده و اگر معامله‌ای واقع نشده یعنی فروشنده کماکان مالک است، بنابراین معامله معارض دومی که انجام داده نیز در حقیقت معارض نیست و مال خود را فروخته که این معامله هم واقع نمی‌شود و قرارداد فاقد اثر قانونی است، بنابراین یک فرد می‌تواند به کرات یک مال را بدون سند رسمی مورد معامله قرار دهد و از افراد وجوهی دریافت کند، بدون اینکه عمل او مشمول عنوان کیفری فروش مال غیر باشد. این اشکالات موجب می‌شود که عکس‌العمل شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام در عدم پذیرش این طرح را تأیید کنیم.

پس باید وضعیت معاملات اموال غیرمنقول به همین شکلی که هست رها شود؟

خیر، این عرایض نافی ضرورت حل مشکلات کنونی و پذیرش وضع کنونی نیست و باید راهی جست که از این وضعیت نابسامان فعلی نجات پیدا کنیم. برای حل مشکل بهترین راهکار این است که ضمن الزام به ثبت رسمی اموال غیرمنقول ضمانت اجرا تکلیفی متناسب و نه بطلان باشد و ضمانت اجرای آن باید عدم قابلیت استناد باشد؛ یعنی افراد مجاز هستند با سند رسمی یا عادی معاملات را انجام دهند، معاملات ایشان بدون سند رسمی هم معتبر است، آثار قانونی خود را دارد، تعهداتی ایجاد می‌کند، حقوقی را هم به وجود می‌آورد، ولی برای اینکه طرفین قرارداد بتوانند به این قراردادی که بدون سند رسمی منعقد شده علیه اشخاص دیگر استناد کنند، لازم است که قرارداد به شکل رسمی به ثبت برسد و هر قرارداد مربوط به اموال غیرمنقول که به ثبت نرسد در مقابل اشخاص ثالث قابلیت استناد ندارد.

این وضعیت حقوقی موجب می‌شود که از سویی معامله بین طرفین معتبر باشد و از سوی دیگر علیه اشخاص دیگر قابلیت استناد نداشته‌باشد، در نتیجه اگر دو نفر نسبت به مال غیرمنقول معامله‌ای بدون سند رسمی انجام دادند معامله صحیح، مشروع و قانونی واقع می‌شود اما چنانچه شخص ثالثی که از این معامله بی‌اطلاع است، حقی با سند رسمی برای خود تحصیل کند، مثلاً اگر فروشنده با سند عادی، مجدداً همان مال را با سند رسمی به کسی دیگر بفروشد یا آن مال را در رهن شخص ثالثی با سند رسمی قرار دهد یا هر حق دیگری برای ثالث با سند رسمی ایجاد شود، هر چند حق شخص ثالث نسبت به آن قرارداد عادی محترم است، ولی طرفین قرارداد عادی نمی‌توانند به قرارداد خود علیه ثالث استناد کنند، چون قرارداد عادی مقدم به رقم صحت قابلیت استناد علیه شخص ثالث با حسن‌نیت را نخواهد داشت.

این نظریه در مقایسه با طرح بطلان اسناد عادی چه تفاوتی دارد؟

نظریه قابلیت استناد، در بسیاری از متون قانونی مورد استفاده قرار گرفته‌است و دارای امتیازات متعددی در مقایسه با وضعیت حقوقی بطلان در طرح الزام به ثبت رسمی معاملات غیرمنقول است. اولاً وضعیت حقوقی عدم قابلیت استناد کاملاً مشروع است، اگر چه عنوان استنادناپذیری یا عدم قابلیت استناد در متون فقهی دیده نمی‌شود، اما این مفهوم با تعابیر دیگر در مبانی و متون فقهی به وفور دیده‌می‌شود. اثبات این معنا یعنی مشروعیت نهاد عدم قابلیت استناد و وارسی پیشینه فقهی آن نیاز به مباحث علمی دارد که اینها در مقاله‌ای که تحت عنوان «مطالعه تطبیقی مبانی استنادناپذیری در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه» نوشته‌ایم کاملاً اثبات شده‌است. اگر این وضعیت، وضعیت مشروعی است، پس هیچ ضرورتی ندارد که برای حل مشکل به نهاد بطلان متوسل شویم که در این خصوص مخالفت صریح با شرع دارد.

امتیاز دوم عدم قابلیت استناد به عنوان وضعیت حقوقی معاملات غیرمنقول که بدون سند رسمی منتشر می‌شود، این است که با این وضعیت به اراده طرفین نیز احترام گذاشته می‌شود و این راهکار با مبنای تحلیل اراده نیز هماهنگ است و تحلیل روانی اراده که آن را به قصد و رضا تضمین می‌کرد و برای هر یک از آنها آثار خاصی را پیش بینی کرده‌بود، کماکان مورد اتباع است و قراردادی که با دو اراده سالم و هماهنگ منعقد شود، معتبر شناخته می‌شود، البته قابلیت استناد علیه ثالث را نخواهد داشت. این وضعیت عدم قابلیت استناد ضمن احترام به اراده متعاقدین حمایت از منافع ثالث نیز می‌کند. ثالث با حسن‌نیتی که احتیاطات لازم را انجام داده و البته از معاملات غیررسمی اطلاع ندارد، منافع او نیز مورد حمایت قرار می‌گیرد، چون قرارداد عادی علیه او نیز قابلیت استناد نخواهد داشت و اگر بدین ترتیب منافع افراد ثالث تأمین شود، امنیت حقوقی معاملات هم تأمین می‌شود، این موجب حمایت از منافع عمومی جامعه خواهد بود، بنابراین وضعیت حقوقی استناد ناپذیری که از سویی مشروع است و از سوی دیگر هماهنگ با مبانی حقوقی از جمله احترام به اراده طرفین و آنالیز روانی اراده است و به علاوه حمایتگر از منافع خصوصی شخص ثالث با حسن‌نیت و نتیجه آن حمایت از منافع گروهی جامعه است بهترین گزینه برای حل معضل کنونی است.

البته در اینجا لازم است مفهوم استنادناپذیری، احکام و آثار آن با دقت مورد توجه طراحان قانون قرار گیرد، چون این مفهوم با مفهوم دیگری به نام بطلان نسبی بعضاً خلط شده که در سوابق طراحی طرح مورد نظر مشاهده می‌شود و طراحان عزیز به رقم زحمتی که متحمل شده‌اند، تمییز بین بطلان نسبی و عدم قابلیت استناد نداده و پنداشته‌اند که این دو مفهوم یکسان است و با این انگاره نادرست نسبت به نهاد مشروع و مؤثر استنادناپذیری قضاوت نامناسبی داشته‌اند و نتیجه آن طراحی طرحی شده‌است که مورد انتقاد است.

در مجموع امید است بتوان با استفاده از این نهاد حقوقی ارزشمند، وضعیت نابسامان معاملات املاک در شرایط کنونی را ساماندهی کرد که حتماً مصلحت جامعه در این است و فرمایشات مقام معظم رهبری نزدیکی با همین مفاهیم دارد و ایشان در فرمایشات اخیرشان تأکید فرمودند که منظور از بی‌اعتباری بطلان معاملات نبوده و منظور عدم‌پذیرش دعاوی مربوط در دادگاه‌هاست که این مطلوب شایسته ایشان با ترتیبی که عرض شد حتماً تأمین خواهد شد.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۹۷۰

از روزی که استاد سعید نفیسی به مغازه شیک او آمد، تابلوی مغازه را عوض کرد و گذاشت پیرایش رشیدی!
نفیسی گفته بود آرایش با افزودن چیزی همراه است و برای زنان کاربرد دارد، اما سلمانی چیزی از سر و صورت مردان کم می‌کند؛ این یعنی پیرایش... و حالا این دانشجوی یه لاقبا هوس کرده، سری به پیرایش رشیدی در سه راه امین حضور بزند!
سلمانی خودشان ۲۰۰ تومان می‌گرفت، اما به آقای رشیدی چقدر بدهد؟ اسکناس پانصدی داد. آقای رشیدی در کشو را باز کرد و پنج اسکناس صدی به او برگرداند.
– قانون مغازه ما اینه؛ در کشو رو باز می‌کنی و هر چقدر خواستی داخلش میذاری. ۴۰ سال پیش از اوسام یاد گرفتم که ارزش دوزاری یه کارمند شریف دادگستری از پنج زاری یه لات عرق خور تلکه بگیر بیشتره!
بلد بودند آموزش دهند... به خدا بلد بودند!

جوابیه

پاسخ شرکت کنترل کیفیت هوا به گزارش «جوان»:

برقی‌سازی ناوگان حمل و نقل عمومی در کاهش آلودگی هوا تأثیر مستقیم دارد

پس از انتشار گزارش «جوان» با تیتر «برقی‌سازی ناوگان حمل و نقل عمومی، آلودگی هوا را کم نمی‌کند» در همین صفحه، شرکت کنترل کیفیت هوا توضیحاتی را به دفتر روزنامه ارسال کرده‌است.

متن پاسخ شرکت کنترل کیفیت هوا به گزارش روزنامه «جوان» به این شرح است:

با توجه به انتشار خبری در روزنامه جوان مورخ ۲۴ مهر ۱۴۰۲ تحت عنوان «برقی‌سازی ناوگان حمل و نقل عمومی، آلودگی هوا را کم نمی‌کند»، ضمن اینکه اصولاً و تحقیقاً، عبارتی که برای تیتر انتخاب شده‌است، کاملاً اشتباه بوده با آموزه‌های نظری و تجربیات عملی منافات داشته و در تضاد کامل است، هیچ‌گونه تناسبی نیز با متن و محتوای خبر ندارد، بنابراین برای آگاهی مخاطبان فرهیخته آن رسانه وزین، توضیح شرکت کنترل کیفیت هوای تهران را در قالب نکات زیر ایفاد می‌دارد.

۱- توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی با هر نوع سوخت و قوای محرکه، چه برقی و چه فسیلی، با حذف خودروهای شخصی و کاهش مجموع پیمایش وسایل نقلیه، منجر به کاهش انتشار آلاینده‌ها و در نتیجه، کاهش آلودگی هوا می‌شود.

۲- در خودروهای بنزینی و دیزلی، عمل احتراق سوخت برای تولید توان در درون خودرو انجام می‌شود، در حالی که این احتراق برای خودروهای برقی در نیروگاه صورت گرفته و توان تولید از طریق شبکه به خودرو می‌رسد. برای تولید انرژی قوای محرکه در پیمایش مسیر مشخصی توسط یک خودرو، اگر عمل احتراق سوخت در درون خودرو انجام شود، میزان سوخت بیشتری نیاز دارد تا این احتراق در نیروگاه صورت پذیرد، چراکه بازدهی نیروگاه‌ها در بدترین حالت، بیش از راندمان موتور خودروهاست، بنابراین با مصرف سوخت کمتر، انتظار انتشار آلاینده‌های کمتری نیز وجود دارد.

۳- تمام انرژی مورد نیاز خودروهای برقی توسط نیروگاه‌های سوخت فسیلی تأمین نمی‌شود و نیروگاه‌های آبی، هسته‌ای و تجدیدپذیر نیز در تأمین سبد انرژی مصرفی خودروهای برقی اثر دارند. پس هر چه سهم نیروگاه‌های آبی و تجدیدپذیر در تأمین برق این خودروها افزایش یابد، تأثیرگذاری برقی‌سازی ناوگان حمل و نقل عمومی نیز در کاهش آلودگی هوا بیشتر می‌شود که این موضوع در حیطه وظایف وزارت نیرو و سایر دستگاه‌های دست‌اندرکار است.

۴- با فرض برابر بودن میزان انتشار آلاینده توسط خودروهای بنزینی و دیزلی با میزان انتشار آلاینده نیروگاهی که برق مورد نیاز خودروی برقی جایگزین آنها را تأمین می‌کند، این نکته بسیار حائز اهمیت است که این آلاینده در چه مکانی منتشر می‌شود. یقیناً ترجیح بر این خواهد بود که انتشار این آلاینده‌ها در نیروگاهی که فاصله زیادی با شهر دارد، انجام شود تا اینکه توسط خودروها و در تماس با شهروندان صورت پذیرد. در کنار میزان انتشار آلاینده‌ها، میزان در معرض قرار گرفتن مردم با آلاینده‌های منتشر شده نیز مهم است.

۵- بدیهی است، نظارت و کنترل آلایندگی یک نیروگاه ساکن با فضای بزرگ و در فاصله زیاد از شهر، آسان‌تر از کنترل و نظارت بر آلایندگی تعداد زیادی از خودروهاست که مرتباً در حال تردد بوده و محدودیت‌های زیادی برای نصب تجهیزات کاهنده آلایندگی روی آنها وجود دارد.

۶- توسعه حمل و نقل برقی از منظر عدم نیاز به توزیع سوخت در سطح شهر نیز می‌تواند به کاهش آلودگی هوا کمک کند. همان‌طور که می‌دانیم، انتشار بخارات بنزین در جایگاه‌های سوخت و تانکرهای حمل سوخت، یکی از عوامل اصلی ایجاد آلاینده ازن در شهرهاست و با توسعه حمل و نقل برقی و عدم نیاز به توزیع و جابه‌جایی سوخت در سطح شهر، عملاً می‌توان به کنترل آلاینده ازن کمک کرد.

۷- توسعه حمل و نقل برقی، کمک بسیاری به کاهش آلودگی صوتی در حریم شهرها می‌کند. با توجه به اندازه‌گیری‌های صورت گرفته، بیشترین آلودگی صوتی در محدوده بزرگراه‌ها و محل تردد وسایل نقلیه ایجاد می‌شود که عامل اصلی آن، وسایل نقلیه فسیلی است. یک خودروی برقی در مقایسه با یک خودروی فسیلی، آلایندگی صوتی بسیار کمتری دارد و در نتیجه، با برقی‌سازی ناوگان حمل و نقل می‌توانیم شاهد کاهش چشمگیر آلودگی صوتی در شهرها باشیم.

در خاتمه، از عموم رسانه‌ها از جمله روزنامه وزین و مردمی جوان، انتظار می‌رود نسبت به تبیین وضعیت موجود آلودگی هوای تهران و دلایل و عواملی که منجر به این وضعیت شده‌اند از جمله استفاده از وسایل نقلیه فرسوده و سوخت‌های فسیلی، اقدام فرموده و با ارائه راهکارهای اجرایی و عملیاتی همچون برقی‌سازی ناوگان حمل و نقل و جایگزینی خودروهای موجود با خودروهای برقی در جهت کاهش و کنترل آلاینده‌های هوا و حرکت در جهت حفظ و احیای محیط‌زیست، بیش از پیش شهر، شهروندان و مدیریت شهری را یاری نمایند.